

# محمد بن مسلم

احیاگر مکتب

امام باقر علیه السلام\*



عبدالکریم پاک نیا

یکی از شاگردان ممتاز مکتب حضرت باقر العلوم علیه السلام، آشنا می شویم. باشد که درسهایی آموزنده و بهره‌هایی معنوی از این شخصیت والا مقام بیاموزیم؛ همو که سی هزار حدیث از مولایش حضرت باقر علیه السلام آموخت و برای مبلغان معارف اهل بیت علیهم السلام به یادگار گذاشت.

\*. طبق برخی از روایات، سوم ماه صفر سال ۵۷ قمری مطابق با ولادت حضرت باقر علیه السلام است؛ گرچه طبق برخی از روایات دیگر، آن بزرگوار در اول ماه رجب به دنیا آمده است. (فیض العلام، ص ۱۹۹)

۱. رجال الشیخ، شیخ طوسی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۱ تا ۱۵۱.

## طلیعه

در مکتب امام باقر علیه السلام، شاگردان زیادی تربیت یافته‌اند که گروه قابل توجهی از آنان از شهر کوفه بوده و هر یک در زمان خود به ترویج مکتب حیات بخش اهل بیت علیهم السلام اشتغال داشته‌اند که در عصر ما، شناختن هر یک از آنان ضرورت ویژه‌ای را دارد. شیخ طوسی رحمته الله ۴۶۸ نفر از شاگردان امام باقر علیه السلام را در کتاب رجال خویش نام برده است.<sup>۱</sup>

در این فرصت و به مناسبت ولادت با سعادت آن گرامی، با شخصیت برجسته محمد بن مسلم ثقفی،

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»<sup>۱</sup> زرارۀ و ابو بصیر و محمد بن مسلم و برید از کسانی هستند که خداوند [در مورد آنان] فرموده است: «آنان که [در ایمان بر همگان] پیشی گرفتند، آنان به حقیقت مقربان درگاهند.»

محدث بزرگوار شیعه، شیخ عباس قمی در مورد این شخصیت تربیت یافته در مکتب امام پنجم علیه السلام می‌نویسد: «ابو جعفر محمد بن مسلم، الطحان الثقفی الکوفی، از بزرگان اصحاب باقرین علیه السلام و از حواریین ایشان و از محبتین و اورع و افقه مردم و از وجوه اصحاب کوفه است. «وَهُوَ مِمَّنْ اجْتَمَعَتِ الْعِصَابَةُ عَلَى تَضْحِیحِ مَا یَصِحُّ عَنْهُ وَعَلَى تَصْدِیقِهِ وَ الْإِنْقِیَادِ لَهُ بِالْفِیْقِهِ.»

روایت شده است که چهار سال در مدینه اقامت نمود و در این مدت از خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام احکام و معارف دینی را کسب می‌نمود

در عظمت مقام این شاگرد ممتاز ائمه اطهار علیهم السلام، همین بس که پیشوای ششم علیه السلام وی را از احیاگران مکتب حضرت باقر علیه السلام به شمار آورده است. سلیمان بن خالد اقطع در این زمینه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «مَا أَحَدٌ أَحْبَبْنَا ذِكْرَنَا وَأَحَادِيثَ أَبِي إِلَّا زُرَّارَةٌ وَأَبُو بَصِيرٍ الْمُرَادِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدٌ بْنُ مُعَاوِيَةَ وَلَوْلَا هَؤُلَاءِ مَا كَانَ أَحَدٌ يَسْتَنْبِطُ هَذَا هَؤُلَاءِ حُفَاظُ الدِّينِ وَأَمَنَاءُ أَبِي عَلَيَّ حَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ وَ هُمُ السَّابِقُونَ الْبَنَاءُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ کسی جز زرارۀ و ابو بصیر و محمد بن مسلم و برید بن معاویه یاد و نام ما و سخنان پدرم را زنده نگه نداشته است. اگر اینها نبودند کسی احکام دین را استنباط نمی‌کرد. اینان پاسداران [حریم احکام] دین الهی و امینان پدرم بر حلال و حرام خداوند هستند. اینان در دنیا [برای حضور در نزد ما] و در آخرت نیز [در رسیدن] به ما از همه سبقت گرفته‌اند.»

ابی عبیدۀ حذاء نیز می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «زُرَّارَةٌ وَأَبُو بَصِيرٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدٌ مِنَ الدِّينِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

۱. مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق. ج ۱۷، ص ۳۱۳؛ رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش، ص ۱۳۷.  
۲. رجال الکشی، ص ۱۳۶.

سنگین تر و آبرومندانه تر انجام بده! بیا در دکان آرد فروشی بنشین! پس برای او سنگ آسیا و شتری مهیا کردند که گندم و جو آرد کند و بفروشد. محمد نیز قبول کرد و از این جهت است که او را «طحّان» گفتند.<sup>۲</sup>

#### امین امام باقر علیه السلام

روزی عبدالله بن ابی یعفرور به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: «من همیشه نمی توانم شما را ملاقات نمایم و مستقیماً پرسشهای خویش را مطرح کنم. امکان تشرّف به محضر شما همیشه برایم مقدور نیست. برای من سؤالاتی مطرح می شود و یا اینکه شیعیان به من مراجعه می کنند و سؤالاتی از من می پرسند و من جواب همه آنها را نمی دانم.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «چرا به نزد محمد بن مسلم ثقفی نمی روی و از او جواب سؤالات را نمی گیری؟ او از پدرم بهره ها برده، سخنها شنیده و یکی از چهره های ارزشمند و مورد اعتماد

و بعد از ایشان، از محضر مبارک حضرت امام جعفر صادق علیه السلام استفاده کرد. از او روایت شده است که گفت: «سی هزار حدیث از حضرت باقر علیه السلام و شانزده هزار حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام اخذ کرده ام.»<sup>۱</sup>

در اینجا به برخی از ویژگیهای این یاور مخلص امام پنجم علیه السلام اشاره می کنیم:

#### تواضع و فروتنی

محمد بن مسلم، مردی برجسته، ثروتمند و جلیل القدر بود. حضرت باقر علیه السلام به وی فرمود: «ای محمد! تواضع و فروتنی پیشه کن!» او هم از مقام والای اجتماعی و شخصیت قابل توجه خود چشم پوشی کرد، زنبیلی پر از خرما برداشت، ترازویی به دست گرفت و در کوفه، کنار در مسجد نشست و مشغول خرما فروشی شد. بستگانش به نزد او آمدند و گفتند: تو بزرگ مایی، این کار تو باعث رسوایی و ننگ ما است! محمد پاسخ داد: مولایم مرا امر فرموده به چیزی که من دست از آن بر نخواهم داشت. گفتند: اگر به ناچار می خواهی کسبی کنی، پس کاری

۱. مستهی الامال، شیخ عباس قمی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۱۷۷.  
۲. ر. ک: همان.

نزد پدر بزرگوام بوده است.<sup>۱</sup>

### گنجینه معارف اهل بیت علیهم السلام

محمد بن مسلم، در اثر تلاشهای شبانه روزی؛ روایات و احکام فراوانی را از محضر امامان معصوم علیهم السلام در موضوعات مختلف فقهی و حقوقی آموخته و برای مشتاقان معارف اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است؛ برای همین، در عصر خود بسیاری از مشکلات مردم را در مورد احکام شرعی و مسائل حقوقی حل می نمود. او می گوید: «شبی در پشت بام خانه خود خوابیده بودم. شنیدم کسی در خانه مرا می زند. پرسیدم: کیست؟ صدای بانویی را شنیدم که پاسخ داد: منم! خدا تو را رحمت کند، در را باز کن! من به کنار بام رفتم و دیدم که زنی ایستاده است. چون مرا دید گفت: دختر نوعروس من حامله بود و او را درد زاییدن گرفت و نازاییده با آن درد درگذشت. الآن فرزندان در شکم او حرکت می کند. چه باید کرد و حکم صاحب شرع در این باب چیست؟ به او گفتم: ای بانو! مثل این مسئله را روزی از حضرت امام محمدباقر علیهم السلام

پرسیدند. آن حضرت فرمود: که شکم مرده را بشکافند و فرزندان را بیرون آرند. تو نیز چنان کن! بعد از آن به او گفتم: چه کسی تو را به منزل من راهنمایی کرد؟ گفت: من برای حل مشکل به نزد ابوحنیفه رفته بودم. او نتوانست پاسخ درستی به من بدهد و گفت: من در مورد این مسئله چیزی نمی دانم. نزد محمد بن مسلم ثقفی برو که او پاسخ صحیح را به تو خواهد داد و هر پاسخی داد، مرا نیز از آن آگاه کن! بعد از این گفتگو به آن زن گفتم: برو به سلامت. فردای آن روز، وقتی به مسجد رفتم، دیدم که ابوحنیفه نشسته و همان مسئله را با اصحاب خود مطرح کرده از ایشان سؤال می کند و می خواهد که آنچه که از من در جواب این مسئله به او رسیده، به نام خود اظهار کند. از گوشه مسجد سرفه ای کردم. ابوحنیفه متوجه من شد و گفت: خدا تو را بیامرزد! بگذار ما زندگی کنیم.»<sup>۲</sup>

۱. اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ص ۱۶۲.

۲. الاختصاص، شیخ مفید، قم، چاپ کنگره.

۱۴۱۳ ق، ص ۲۰۳.

مسلم ثقفی جهت ادای شهادتی نزد شریک، قاضی کوفه آمدند. شریک لحظه‌ای در سیمای نورانی و معنوی آن دو نگریست. وقتی آثار صلاح و تقوی و عبادت را در چهره آنان مشاهده کرد، با خود زمزمه کرد: جعفریان و فاطمیان!

یعنی این دو نفر از شیعیان حضرت جعفر علیه السلام و فاطمه علیها السلام بوده، منسوب به این خانواده هستند. آن دو با شنیدن این سخن، اشک در چشمانشان حلقه زد و گریستند. شریک قاضی، علت گریه آنان را پرسید. آن دو پاسخ دادند: برای اینکه ما را از شیعیان شمردی و جزء مردمانی حساب کردی که راضی نمی‌شوند ما را برادران خود بگیرند به جهت آنچه مشاهده می‌کنند از کمی ورع و ضعف ایمان ما. و همچنین ما را نسبت دادی به کسی که راضی نمی‌شود امثال ما را از شیعه خود به حساب آورد؛ پس اگر لطف نموده، ما را قبول فرماید، پس بر ما منت نهاده است. شریک تبسم کرد و گفت: «هرگاه جوانمرد در دنیا پیدا می‌شود، باید مانند شما بوده باشد.»<sup>۱</sup>

محمد بن مسلم، در اثر تلاشهای شبانه روزی؛ روایات و احکام فراوانی را از **حضرت امامان معصوم علیهم السلام** در موضوعات مختلف فقهی و حقوقی آموخته و برای مشتاقان معارف اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است؛ برای همین، در عصر خود بسیاری از مشکلات مردم را در مورد احکام شرعی و مسائل حقوقی حل می‌نمود.

دلدادۀ آل محمد صلوات الله علیهم

زراره در مورد دلدادگی محمد بن مسلم به خاندان وحی می‌گوید: «روزی ابو کریبه از دی و محمد بن

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۷.

ارتباط ویژه با امام علیه السلام

محمد بن مسلم با امام باقر علیه السلام چنان ارتباط نزدیکی داشت که در مواقع گرفتاری، پیشوای پنجم علیه السلام شخصاً در رفع مشکلات وی اقدام می‌کرد.

او در این باره می‌گوید: «در یکی از روزها وارد شهر مدینه شدم و آن روز من به شدت بیمار بودم. امام وقتی از بیماری من خبردار شد، توسط غلام مخصوصش برایم شربت فرستاد که من آن را بنوشم. غلام حضرت شربت را به دستم داد و گفت: این را بنوش که من از سوی امام مأمورم از اینجا برنگردم تا اینکه تو این شربت را بخوری!»

من آن را نوشیدم. شربت لذت بخش و خنک و خوش طعمی بود که عطر دل انگیز مشک از آن به مشام می‌رسید و شاقه‌ام را نوازش داده و آرام و راحت‌م کرد. بعد از تناول آن، غلام گفت: امام به من دستور داده است که بعد از میل شربت به حضور امام برویم. من یک لحظه به فکر فرو رفتم: من که قادر به ایستادن روی پای خودم

نیستم، امام چگونه دستور داده تا به نزدش بروم؟

اما همین که شربت اعطایی امام در وجودم اثر کرد، گویا از بند رها شدم. بلند شده، به منزل امام رفتم. اجازه ورود خواستم، آقا از اندرونی صدا زد: «از بیماری شفا یافتی؟ بفر ما داخل!»

به داخل رفتم. در حالی که دیدن وجود امام اشک شوق را از دیده‌هایم جاری ساخته بود و توانایی کنترل احساساتم را در آن لحظه نداشتم، به آقا سلام کردم. دست و پیشانی‌اش را بوسیدم. امام باقر علیه السلام فرمود: محمد! چرا گریه می‌کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم، بر غربت و تنهایی خودم و دوری راه و نبودن امکانات که نمی‌توانم همواره در خدمت شما باشم، زیارتان کنم و از محضرتان بهره‌مند گردم.

امام فرمود: «محمد! اما نبودن امکانات و محرومیت‌های ظاهر؛ پیوسته با شیعیان و دوستان ما همراه خواهد بود؛ چرا که خداوند این گونه مقدر فرموده است. اساساً گرفتاریها به سرعت به سراغ آنها می‌آید. (از این

جهت دلگیر نباش!)

اما اینکه گفתי غریبی و تک و تنها دور از ما زندگی می‌کنی؛ در این مورد به جدم ابی عبدالله الحسین علیه السلام اقتدا کرده‌ای که در سرزمینی دور از ما آرمیده است. درود و صلوات خدا بر او باد!

اما اینکه از نبودن وسیله و دوری راه می‌نالی؛ بدان که مؤمن در این دنیا در میان این مردم وارونه و منکوس، غریب است؛ (زیرا بر خلافکاریها و منکرات اعتراض می‌کند و از وضع موجود ناراحت است.) تا اینکه از این دنیا بیرون رود و در جوار رحمت خداوند متعال آرامش یابد.

اما اینکه گفתי دوست داری در کنار ما باشی و بیشتر ما را زیارت کنی، ولی نمی‌توانی؛ مطمئن باش خداوند از دل تو آگاه است و پاداش تو نزد اوست.<sup>۱</sup>

سپس حضرت به من فرمود: «آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟»

عرض کردم: بلی، اما با خوف و

هراس!

حضرت فرمود: «هر چه در این

زیارت شدت و سختی بینی و خوف و هراس تو بیشتر باشد، ثواب و اجرت به همان قدر افزون می‌گردد و کسی که در زیارت آن حضرت خوف داشته، با این حال آن جناب را زیارت کند، حق تعالی او را از وحشت روزی که مردم برای حساب در مقابل پروردگار عالمیان می‌ایستند (یعنی روز قیامت)، در امان نگه می‌دارد و این شخص از زیارت بر می‌گردد در حالی که حق تعالی گناهانش را آمرزیده و فرشتگان بر او درود و سلام می‌دهند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او و آنچه را به جا آورده، دیده و بسرایش دعا می‌فرمایند و وی به نعمت و فضل خدا روی آورده، هیچ رنج و تعبی به او متوجه نشده، رضایت و خشنودی خدا را پی‌گیری می‌نماید.» سپس حضرت به من فرمود:

«شربت را چگونه یافتی؟»

عرض کردم: شهادت می‌دهم شما

اهل بیت علیهم السلام رحمت بوده، جانشین جانشینان پیامبر هستید! غلامی نزد من

۱. الاختصاص، ص ۵۳؛ معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم خوئی، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۸، ص ۲۶۷.

می خورائیم و در آن هر خیر و خوبی را دیده ایم.»

عرضه داشتیم: فدایت شوم! از آن برداشته و استشفای بجوئیم؟

حضرت فرمود: «بسا شخصی آن را برداشته، با خود از حائر حسینی علیه السلام بیرون می برد و بر دیگران اظهار نموده، مخفی نمی کند: پس در برخوردار با جنی یا حیوانی و یا موجودی دیگر که دارای آفت و یا مرض و بیماری است، آن را می بویند و برکتش زایل می گردد و بدین ترتیب برکت آن برای غیر، مصرف می شود.

اما تربتی را که ما با آن دردها را معالجه می کنیم، این طور نیست. هر کسی که آداب آن را رعایت کند و آنچه را که برایت گفتم منظور کند، و تربت را از منظر دیگران بر حذر داشته باشد و در معرض عموم قرار ندهد، مسلماً با هیچ شیئی تماس پیدا نکرده و هیچ کس از آن تناول ننموده است، مگر در همان ساعت از مرض و بیماری که دارد شفا پیدا می کند.»

سپس امام علیه السلام در ادامه سخنش فرمود: «ای محمد! سرگذشت این تربت،

آمد و آنچه عنایت کرده بودید، به من رساند. قبل از آن نمی توانستم روی پای خود بایستم و از خود مأیوس شده بودم. وی شربت را به من داد و من آن را نوشیدم. بویی به آن خوشی تا به حال استشمام نکرده و مزه ای به آن پاکیزگی تا به حال نچشیده و طعمی به آن مطبوعی تا کنون حس ننموده و به گواراتر از آن هرگز بر نخورده بودم، و هنگامی که آن را نوشیدم، غلام به من گفت: حضرت به من امر فرموده اند: «وقتی نوشیدی نزد من بیا!»

من که از حال خود باخبر بودم، پیش خود گفتم: حتماً به حضورش مشرف خواهم شد، گر چه جانم را از دست بدهم، پس به سوی شما روی آوردم؛ ولی گویا از بندرها گشتم، پس حمد و سپاس خدایی را که شما را رحمت برای شیعیان تان و رحمت برای من نیز قرار داده است.

حضرت فرمود: «ای محمد! در آن شربتی که نوشیدی، تربت قبر حسین علیه السلام بود و آن بهترین دارویی است که به منظور استشفای مصرف می کنند و با آن هیچ دوایی را برابر و مساوی ندان! ما به اطفال و زنان خود آن را



چگونه آن را بردارم تا همچون شما از آن بهره بگیرم؟

حضرت فرمود: «آیا مقداری از آن را به تو بدهم؟»

عرض کردم: بلی.

فرمود: «وقتی از من گرفتی، با آن چه می‌کنی؟»

عرض کردم: با خود می‌برم.

فرمود: «در چه چیز آن را قرار می‌دهی؟»

عرض کردم: در لباسهای خود آن را می‌گذارم.

حضرت فرمود: این کار را مکن!

بلکه وقتی آن را از من گرفتی، تا نزد من هستی تناولش کن که حاجتت روا می‌شود و هرگز با خودت حمل نکن؛ زیرا در این صورت اثری نداشته و برایت سالم نمی‌ماند.»

محمد بن مسلم می‌گوید: حضرت از آن (تربت) دوبار به من خوراندند و پس از آن، هیچ درد و رنجی در خود احساس نکردم و به کلی برایم بهبودی حاصل شد و پس از آن به وطن خویش برگشتم.<sup>۱</sup>

نظیر سرگذشت حجر الاسود است که صاحب آفات و امراض و کفر و جاهلیت با آن تماس پیدا می‌کردند و پس از تماس، مرض و عیب و نقصی که داشتند بر طرف می‌شد.

این سنگ در اول همچون یاقوت سفید و شفاف بود که پس از این تماسها و اصابت این اشیاء آلوده، رفته رفته رنگش تیره و سیاه شد و به این صورتی که اکنون می‌بینی در آمد. این تربت نیز به واسطه تماس با اشیاء آلوده و افراد ناصالح، خاصیت و اثرش زایل گردیده است و آن تأثیری را که باید داشته باشد ندارد؛ برای همین، تو نمی‌توانی اثر مطلوب را از آن برداری.»

به امام عرض کردم: من از تربت پاک حسینی علیه السلام چگونه استفاده کنم؟

حضرت فرمود: «وقتی آن را در

معرض عموم قرار دادی، با آن همان عملی را کرده‌ای که دیگران می‌کنند؛ یعنی آن را سبک می‌شماری. بسا آن را در خورجین انداخته، در بین اشیاء آلوده می‌گذاری، در نتیجه این بی‌احترامی، اثری را که از آن انتظار داری نخواهی دید و آن اثر از تربت زایل می‌گردد.»

عرضه داشتم: فدایت شوم! فرموده شما کاملاً صحیح است.

۱. کامل الزیارات، جعفر بن قولویه قمی، نجف، نشر مرتضویه، ۱۳۵۶ ق، باب ۹۱، ص ۲۷۵.

در سهایی از امام باقر علیه السلام

تکریم فرزند

محمد بن مسلم نقل می‌کند که من در خدمت امام باقر علیه السلام بودم. در این هنگام فرزند خردسالش جعفر علیه السلام وارد شد و در دستش عصایی بود که با آن بازی می‌کرد. امام باقر علیه السلام او را به گرمی در آغوش گرفت و به سینه خود فشرد و خطاب به او فرمود: «پدر و مادرم به فدایت باد! [با این چوب] کار لهو انجام مده و بازی نکن!» سپس فرمود: «ای محمد! پس از من او امام توست. از او پیروی کن و از دانش او استفاده نما! به خدا سوگند! او همان صادقی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را توصیف نمود که شیعیان او در دنیا و آخرت پیروزند و دشمنانش در زمان هر پیامبری ملعون هستند. در این هنگام جعفر علیه السلام خندید و صورتش قرمز گردید. آنگاه امام باقر علیه السلام به من فرمود: «از او سؤال کن!» من از او پرسیدم: ای پسر رسول خدا! خنده از کدام عضو بدن نشئت می‌گیرد. جعفر علیه السلام فرمود: «ای محمد! عقل از قلب، اندوه از کبد، نفس از ریه و خنده

محمد بن مسلم با امام

باقر علیه السلام چنان ارتباط

نزدیکی داشت که در

مواقع گرفتاری، پیشوای

پنجم علیه السلام شخصاً در رفع

مشکلات وی اقدام

می‌کرد.

از طحال نشئت می‌گیرد. «وقتی این پاسخ را از او شنیدم، از جایم برخاستم و او را بوسیدم.»<sup>۱</sup>

یک پرسش فقهی

محمد بن مسلم می‌گوید: روزی به محضر حضرت باقر علیه السلام وارد شدم در حالی که نماز می‌خواند. گفتم: السلام علیک. فرمود: السلام علیک. عرض کردم: صبح شما بخیر! حضرت جواب نفرمود. پس از آنکه نماز را تمام کرد، عرض کردم: آیا در حال نماز

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، نشر الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۷، ص ۱۵، ح ۱۲. به نقل از کفایة الاثر، ص ۳۲۱.

علی علیه السلام بروند؛ زیرا زیارت آن حضرت روزیها را زیاد، عمرها را طولانی، بلاها و بدیها را رفع می‌کند و بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عزوجل دارد، زیارت آن گرامی لازم است.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در ناامنی

و خوف

محمد بن مسلم در فرازی از یک حدیث طولانی می‌گوید: روزی امام باقر علیه السلام از من پرسید:

آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟

عرض کردم: بلی، ولی با خوف و هراس.

فرمود: «مَا كَانَ مِنْ هَذَا أَشَدَّ فَالْثَوَابُ فِيهِ عَلَى قَدْرِ الْخَوْفِ وَمَنْ خَافَ فِي إِثْبَانِهِ آمَنَ اللَّهُ زَوْعَتَهُ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَ

فقط جواب سلام را باید گفت؟ حضرت فرمود: بلی، مثل آنچه سلام گفته است.»<sup>۱</sup>

### گوهرهای عاشورایی

گریه بر سید الشهداء علیه السلام

محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر باقر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمود:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام دَمَعَهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَّيْهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا»<sup>۲</sup> هر مومنی که به خاطر شهادت حضرت حسین علیه السلام اشک از چشمانش روان گردیده، برگونه‌هایش جاری شود، خداوند مَنان در بهشت غرفه‌هایی به او عنایت فرماید که وی روزگاران درازی در آن مسکن گیرند.»<sup>۳</sup>

### دستاورد زیارت کربلا

محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن گرامی فرمود: «مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّ إِثْبَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَيَدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ وَإِثْبَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقْرَأُ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ»<sup>۴</sup> شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن

۱. انوار درخشان، محمد حسین همدانی، تهران، نشر لطفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۵۶.  
 ۲. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، باب استحباب البكاء لقتل الحسين علیه السلام، ج ۱۴، ص ۵۰۸.  
 ۳. کامل الزیارات، باب ۳۲، ص ۱۰۴.  
 ۴. تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۶، ص ۴۲.

حسین بن علی علیه السلام چه فضل و ثوابی است،  
 حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می کردند.»  
 راوی می گوید: عرض کردم: در  
 زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی  
 می باشد؟

حضرت فرمود: «کسی که مشتاقانه و  
 از روی شوق و عشق به زیارت آن حضرت  
 رود، خداوند متعال هزار حج و هزار عمره  
 قبول شده برایش می نویسد و اجر و ثواب  
 هزار شهید از شهدای بدر و اجر هزار روزه دار  
 و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد  
 نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده  
 باشند، برایش منظور می شود و پیوسته در  
 طول ایام سال از هر آفتی که کم ترین آن  
 شیطان باشد، محفوظ مانده و خداوند متعال  
 فرشته کریمی را بر او موکل کرده که وی را از  
 جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر  
 قدم نگهدارش باشد و اگر در وسط سال فوت  
 کرد، فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر  
 شده، او را غسل داده، کفن نموده، برایش  
 استغفار و طلب آمرزش می کنند و تا قبر  
 مشایعتش نموده، به مقدار طول شعاع چشم  
 در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده، از

انصرفت بالمغفرة و سلمت علیه الملائكة و  
 زاره النبي صلی الله علیه و آله و انقلب بنعمة من الله و فضل  
 لم یمسئهم سوء و اتبع رضوان الله؛<sup>۱</sup> هر  
 قدر در زیارت خوف بیشتر باشد،  
 ثواب در آن به مقدار خوف و هراس  
 افزون خواهد گشت و کسی که در  
 زیارتش خائف و بیمناک باشد، در  
 روزی که مردم برای حساب پروردگار  
 عالمیان به پا می خیزند، حق تعالی او را  
 در امان قرار داده، [خوف و وحشت او  
 را بر طرف می کند] و بازگشت او از  
 زیارت توأم با آمرزش گناهان خواهد  
 بود و فرشتگان بر او سلام می نمایند و  
 نبی اکرم صلی الله علیه و آله به زیارتش می آید و به  
 واسطه نعمت الهی حالش دگرگون  
 شده، فضلی که هیچ مکروه و بدی با آن  
 همراه نیست، شاملش می شود و به  
 دنبال آن، رضوان خدا نصیبش  
 می گردد.»

#### آرزوی اهل محشر

محمد بن مسلم با نقل حدیثی،  
 مهم ترین آرزوی اهل محشر را این  
 گونه توضیح داده است:

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر

مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۵۷.

می‌گوید: زمانی امام باقر علیه السلام به من فرمود: «بین شما و بین قبر حسین علیه السلام چه قدر مسافت است؟»

عرض کردم: شانزده یا هفده فرسخ.

حضرت فرمود: «آیا به زیارتش می‌روی؟»

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمود: چه قدر جفاکار

هستی!

### وفات

محمد بن مسلم، آن یار فداکار اهل بیت علیهم السلام، بعد از سپری کردن عمری با برکت و به انجام رساندن خدماتی شایان توجه به دنیای دانش و عالم تشیع و بجا گذاشتن هزاران سخن حکمت‌آمیز و حیات بخش از ائمه اطهار علیهم السلام، در سال یک صد و پنجاه هجری قمری به دیار باقی شتافت.<sup>۲</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳۵، باب کراهة ترک زیارة الحسین علیه السلام.  
۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۷.

**حضرت امام باقر علیه السلام**  
**فرمود: «اگر مردم**  
**می‌دانستند که در زیارت قبر**  
**حضرت حسین بن**  
**علی علیه السلام چه فضل و ثوابی**  
**است، حتماً از شوق و ذوق**  
**قالب تهی می‌کردند**

فشار قبر در امانش قرار می‌دهند و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می‌دارند و برایش دری به بهشت می‌گشایند و کتابش را به دست راستش می‌دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطا می‌شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می‌گردد و منادی ندا می‌کند: این کسی است که از روی شوق و عشق حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده است و پس از این ندا احدی در قیامت باقی نمی‌ماند، مگر آنکه تمناً و آرزو می‌کند که کاش از زوآر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌بود.»

آیا واقعاً حیف نیست؟!

بنابر نقل زرارة، محمد بن مسلم